

# بررسی علل مهاجرت آذربایجان شرقی

بعنوان یک فرد مسلمان و مسئول و آگاه به مشکلات اجتماعی، اقتصادی و امنیتی استان آذربایجان شرقی، منطقه میانه و روستاهای تابع آن لازم دیدم بر مفاد فرمایش «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» گوشه هائی از علل این نابسامانیها که موجب متزلزل شدن پایه های حکومت اسلامی در آن منطقه و بوجود آمدن نا امنی و پیاده نشدن قانون جمهوری اسلامی ایران شده است را به مسئولین محترم کشور گزارش کرده تا در برطرف نمودن این بیماری اجتماعی بطور جدی و ضربتی اقدام شود و گرنه دیگر بسیار دیر خواهد شد و درمان ناپذیر.....

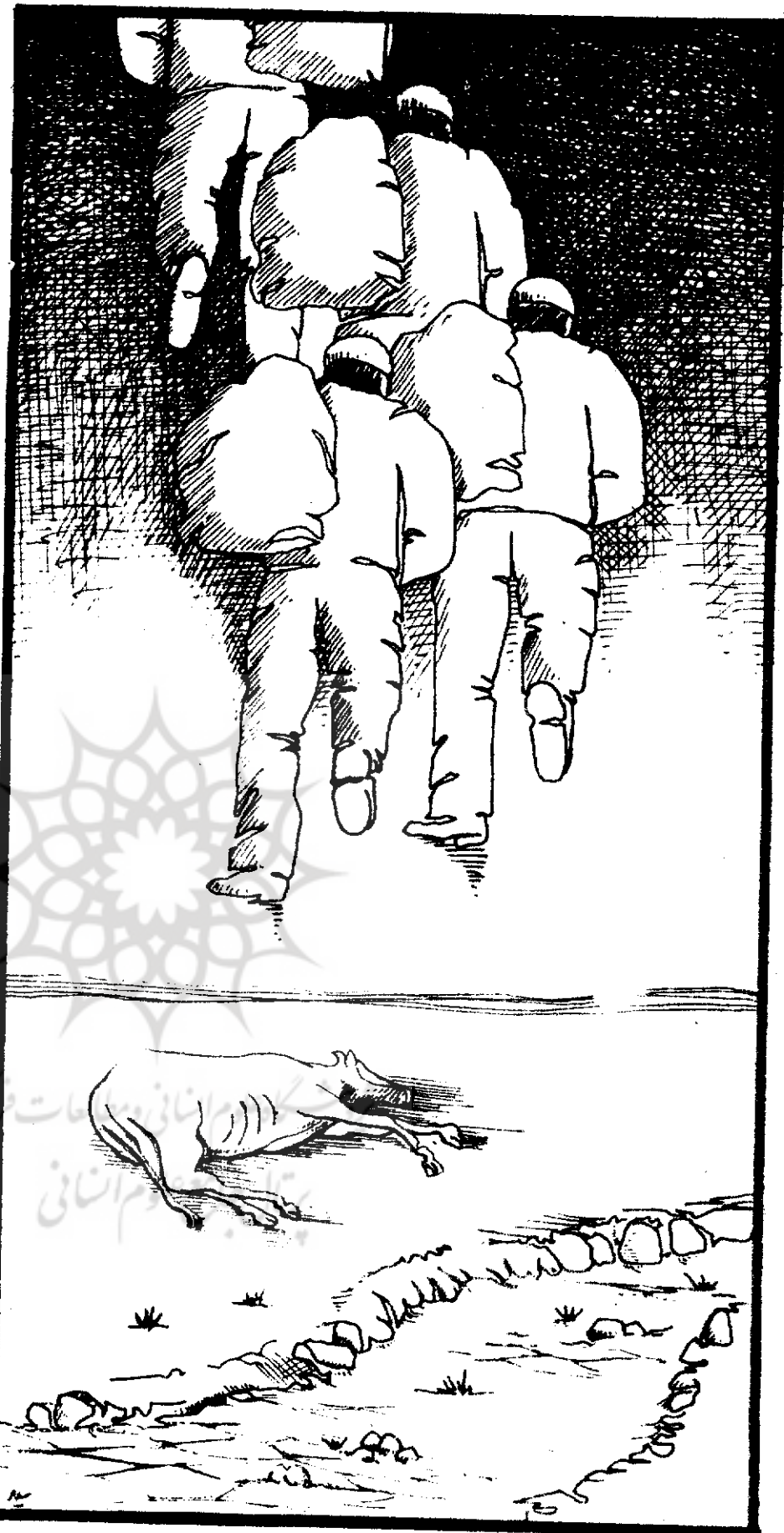
و به همین دلیل تا دیر نشده باید کاری کرد و جلوی این نابسامانیها و نا امنی را گرفت و از اینرو خلاصه ای از وضع منطقه و روستاها را به استحضار میرساند.

شرح موقعیت منطقه و شرایط زندگی مردم: همانطوریکه آگاهید استان آذربایجان شرقی از نظر محصولات کشاورزی یکی از حاصل خیز ترین استانهای ایران است، که در صورت زیر کشت رفتن زمینهای مرغوب آن قادر است مصرف سالیانه گندم کشور را تامین کرده و از این طریق در به خود کفایی رسیدن اقتصاد این کشور سهم موثری ارائه کرده، و خود نیز بعنوان یک استان تولید کننده در سطح کشور فعالیت نماید.

❁ ولی اخیراً بعضی از افراد شرور موجبات آزار و اذیت مردم روستاهای این منطقه را (شهرستان میانه) فراهم نموده اند که موجب بازماندن روستائیان از کار و زندگی شان گشته و در نتیجه موجبات مهاجرت ایشان را به تهران فراهم آورده اند و متأسفانه هیچ مقامی هم در صدد تحقیق و یا بررسی علل این مهاجرت اجباری برنیامده است، (البته در زمان رژیم طاغوت نیز چنین بوده ولی نه به این شدت و سرعت) و ما اکنون بچند مورد در این زمینه اشاره میکنیم تا واقعیت بیشتر آشکار شود...!

۱- از روستای قلچلی از توابع شهرستان میانه در طول مدت ۶ ماه تقریباً ۵۰ الی ۶۰ خانواده به دلائل نا امنی و بی قانونی که در منطقه روستا حاکم بوده به تهران مهاجرت کرده اند و در اطراف این شهر بزرگ اقامت گزیده و بقیه نیز در حال مهاجرت هستند.

۲- از روستای گلوجه مجاور روستای فوق در



# رتروستائیان سی (منطقه میانه)

## وارائه سه طرح پیشنهادی در این زمینه

### ۱- عدم تامین امنیت اجتماعی و حقوقی

روستائیان مهاجر و ساکن اظهار میدارند امنیت وجود ندارد وجود اشخاص ناباب و شرور در روستا زندگی ما را تهدید میکند و موجب متزلزل شدن زندگی مامیگرند و نیز برای طرح شکایت از متجاوز به حقوق ما باید بیش از پنجاه کیلومتر راه روستائی را پیموده و اقامه دعوا کنیم علاوه پاسگاه بعثت زیر پوشش داشتن روستاهای زیاد عملاً قادر به انجام وظیفه محوله نمیشود و بدین جهت تا آمدن امور مربوطه جهت رسیدگی به شکایات قریب یکماه طول میکشد و نیز بعد از احضار متجاوز و احیاناً تحویل او به مقامات دادگستری با اندک بازرسی و یا بازداشت موقت بدون کیفر واقعی او را آزاد میکنند و این موضوع را پرونده های موجود در رابطه با خرابکاریهای از ۱۵ الی ۲۰ سال پیش به این طرف در این روستاها نشانگر این واقعیت است که با این افراد شرور و متجاوز به حقوق مردم رفتاری قاطع از طرف مسئولین قضایی و حقوقی نشده است و در نتیجه روستاهای پرجمعیت و فعال این منطقه با این وضع از سکنه خالی نمیشد و مردم خانه و کاشانه خود را رها نمیکردند تا به شهرها بیایند.

### ۲- عدم ارائه خدمات روستایی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی

۱- جاده اسفالتنه ای ما بین روستاهای منطقه اوج تپه و میانه وجود ندارد (البته یک جاده در دست ساختمان است که سالهای پیش در زمان طاغوت شروع شده ولی پیشرفت کار آن بسیار کند بوده است).

۲- تمام راههای ارتباطی مابین روستاها خاکی و بعضی نیز کوهستانی و مال رو میباشد و بدین جهت وسایل حمل و نقل عمومی در این مناطق رفت و آمد نمیکند (مگر در بعضی موارد).

۳- در منطقه اوج تپه درمانگاه و یا اکیبهای بسیار درمانی بطور مرتب وجود ندارد و اکثر مردم حتی برای کوچکترین مورد بیماری ناگزیر به شهر مراجعه میکنند.

یکی از روستائیان در این رابطه اظهار داشت که برای آوردن کودک مریض خود به میانه وانت باری شش هزار ریال کرایه از او دریافت داشته است و همین موضوع موجب نارضایتی و مهاجرت او به تهران شد.

۴- تمام زنان باردار این مناطق در منزل وضع حمل میکنند که بعضی نیز بر اثر نبودن کمکهای اولیه درمانی و بهداشتی جان میسپارند و احیاناً اگر تراکتوری در محل باشد تا او را در حال جان کندن به بیمارستان برساند.

ورق بزنید

به دفتر مجله ارسال شده برخی از عوامل و ضایعات مهاجرت روستائیان منطقه میانه در آن شمرده شده. نظر به اینکه این عوامل و ضایعات در سطح تمامی روستاهای کشور عمومیت دارد نسبت به چاپ آن اقدام می شود و منتظر نوشته های سایر خوانندگان در این زمینه هستیم.  
«مجله جهاد»

مقدمه مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ همچنان یکی از معضلات اجتماعی به شمار می رود و تراکم بیش از حد در شهرهای بزرگ که معمولاً همراه با کاهش جمعیت در روستاهاست به عنوان یکی از آفات استقلال اقتصادی، سلامت تولید و مصرف را در جامعه تهدید می کند. نوشته زیر که توسط یکی از خوانندگان مجله جهاد از اهالی آذربایجان شرقی

مهاجرین، تامین مسکن، آب و برق، ارائه خدمات درمانی و فراهم نمودن وسائل رفاهی و غیره...

و اما علت این مهاجرت چیست...؟  
در این روستائیان چیست که خانه و کاشانه خویش را به حال خود رها کرده و با اندک وسائل زندگی خود به شهرها میگریزند...؟

اینجانب چون آذربایجانی و از اهالی همان منطقه هستم و بعثت وابستگیهای قومی و در نتیجه آشنائی و معاشرت و گفتگوهای که با روستائیان مهاجر انجام شده، علت ترک زمین و خانه خویش را در دو موضوع مهم و اساسی ذکر میکنند:

### \* یکی از عوامل مهاجرت

روستائیان به شهرها وجود

عوامل شرور و مزاحم در

روستاهاست که متأسفانه به

علت بعد مسافت از طرف

مقامات قضایی برخورد قاطعی

با این موضوع نمی شود.

حدود ۲۵۰ الی ۳۰۰ خانواده بدلائل مختلف به تهران آمده اند مهاجرت از این روستا در زمان رژیم پهلوی نیز وجود داشت ولی اخیراً دو برابر شده است.

۳- روستای قرجه قبه بنا به اظهار روستائیان تقریباً از سکنه خالی شده است و اهالی آن به تهران مهاجرت کرده اند...

۴- روستای قهرمان لو در حدود بیشتر از ۶۰ خانوار به تهران و حومه مهاجرت کرده اند.

۵- از روستای قمقان در حدود ۵۵ خانوار به قلعه حسن خان (واقع در جاده کرج) مهاجرت کرده اند. از سایر روستاهای بیات، قباق تپه، شیخ طبق، خاتون آباد و...

با همین آمار کم و بیش به تهران آمده اند و در نتیجه این مهاجرت های اجباری تمام زمینهای مرغوب و حاصلخیز و باغات این روستائیان زحمتکش و مومن بی صاحب مانده و کم کم تبدیل به یک بیابان خشک و بی آب میشود و این یک واقعیت تلخ و دردناک برای این کشور در حال رشد می باشد.

و این بعهده فرمانداری شهرستان میانه است که از میزان مهاجرین روستاهای تابع این شهرستان آمار دقیق تهیه کرده و علت آنرا مشخص کند و بنابر آمار فوق روستائیان فداکار و زحمتکش علی رقم میل باطنیشان به تهران روی می آورند و در نتیجه قسمتی از زمینهای حاصلخیز کشورمان از حالت تولید افتاده و مردم این مناطق به جمع مصرف کنندگان اضافه میشوند...

و از طرف دیگر نیز مشکلی برانبوه مشکلات دولت افزوده میشود از جمله: تولید کار برای

و اما راه حل این مشکلات چیست...؟  
 چه باید کرد تا روستائیان فداکار ما بکارشان  
 امیدوار باشند و در تحقق استقلال اقتصادی،  
 نظامی این کشور سهم موثری ارائه کند، بعلاوه  
 کشاورزی در کشور ما بنیان اساسی اقتصاد بر خود  
 متکی بودن ماست، از این جهت چند پیشنهاد اساسی  
 در این زمینه ارائه میشود که امیدوارم مورد توجه  
 مسئولین کشور قرار گیرد.

الف: چند پیشنهاد در زمینه امنیت روستاها و

منطقه:

۱- تاسیس یک پاسگاه ژاندارمری (یا کمیته  
 بعنوان هسته مرکزی) در یکی از روستاها متشکل  
 از کادر نظامی مجهز و انقلابی جهت برقراری  
 امنیت در سطح منطقه.

۲- خلع سلاح تمام روستاهای منطقه بطور جدی  
 و ضربتی با همکاری برادران سپاه (میانہ) و اجرای  
 قوانین منع حمل اسلحه.

۳- دستگیری و اعزام افراد فاسد و شرور  
 روستائی به مقامات قضائی و اخراج یا تبعید افراد  
 فاسد غیر قابل اصلاح از روستا به منظور حفظ  
 امنیت روستا.

۴- تشکیل انجمن اسلامی روستا متشکل از  
 آموزگاران متعهد ساکن همان روستا و افراد متدین  
 و معتقد به حکومت اسلامی. بمنظور رسیدگی به  
 اختلافات ما بین روستائیان حل و فصل اختلافات  
 جزئی و اعزام به پاسگاه مرکزی همراه با پرونده  
 مقدماتی در سطح بالاتر.

۵- تشکیل کمیته محلی متشکل از جوانان  
 مومن و آگاه روستائی بمنظور حفظ امنیت روستا و  
 همکاری با انجمن اسلامی جهت دستگیری افراد  
 فاسد و شرور و تحویل به پاسگاه مرکزی.

ب: چند طرح پیشنهادی در مورد رفاه  
 روستائیان و منطقه.

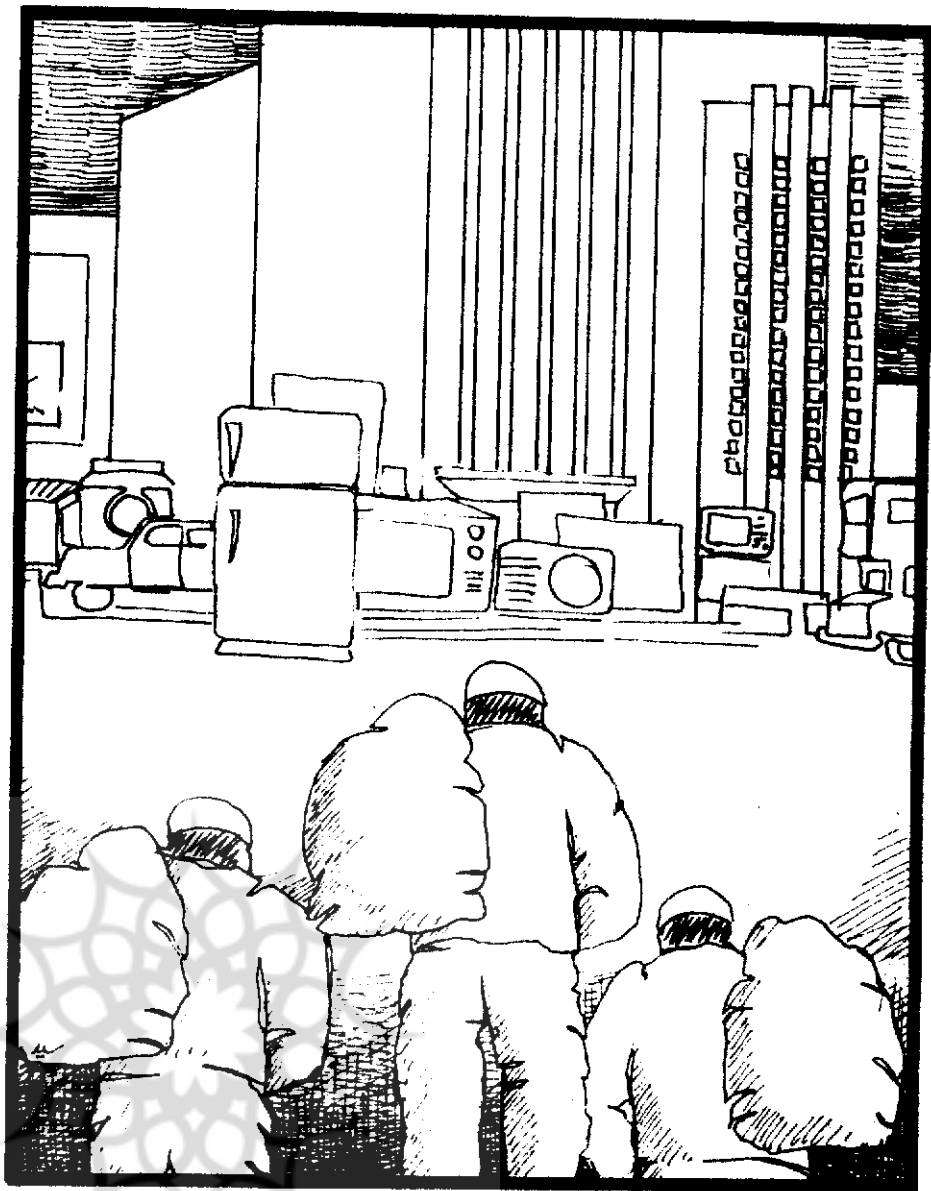
۱- فعال نمودن جهاد سازندگی میانہ با وسعت و  
 کار بردی در سطح عالی با همکاری برادران متعهد و  
 دلسوز:

۲- در اختیار نهادن ماشین آلات کشاورزی و  
 ابزار مابین روستائیان (از طریق فروش، کار مزد و  
 یا بصورت فروش تعاونی).

مورد فوق بشدت مورد نیاز منطقه است و  
 کمبود قابل ملاحظه ای در این زمینه وجود دارد.  
 (از طریق فروش، اجاره و یا کار مزد).

۴- همکاری وزارت کشاورزی در زمینه ازدیاد  
 محصول و خرید مازاد آن از کشاورزان و نیز دادن  
 وام، کود شیمیایی، رسیدگی به آفات نباتی و غیره...  
 ۵- همکاری وزارت بهداری جهت ایجاد  
 درمانگاههای سیار و ارائه خدمات درمانی در سطح  
 منطقه (کمبود این مورد نیز مورد نیاز شدید مردم  
 این منطقه است و وزارت بهداری در این زمینه باید  
 سریعاً اقدام کند).

بقیه در صفحه ۷۸



آذربایجان شرقی عملاً از پایه تولید افتاده و تبدیل  
 به یک استان مصرف کننده میشود و این خود ضربه  
 ای است به اقتصاد نوپای این کشور....

**\* در نتیجه مهاجرت های  
 مکرر روستائیان به شهرهای  
 بزرگ، تمام زمینهای مرغوب و  
 حاصلخیز بی صاحب مانده و کم  
 کم به یک بیابان خشک و بی  
 آب تبدیل می شود.**

عدم رسیدگی وزارت کشاورزی در امر  
 مشکلات ناشی از کشت (از قبیل وام، کود  
 شیمیایی) و آن طوریکه خود شاهد بودم محصولات  
 کشاورزی این منطقه نسبت به سالهای گذشته نه  
 تنها افزایش نداشته بلکه بشدت تنزل هم کرده است  
 و این جای تاسف است که هنوز هم مسئولین امر  
 نسبت به این امر کاملاً بی توجه هستند!!!

مورد دیگر عدم توسعه دام پروری در این  
 منطقه است که آن هم در حد انتظار نبوده و تقریباً در  
 حال تنزل است!!!

البته باید متذکر شود که اغلب این نابسامانیا  
 از سیاستهای غلط رژیم فاسد پهلوی بجا مانده و  
 دامنگیر حکومت اسلامی شده است و این بر  
 حکومت اسلامیست که از هم اکنون چاره ای در این  
 موضوع بیاندیشند، و اگر کوتاهی در این مورد به  
 عمل آید ظرف مدت ده تا پانزده سال آینده استان

## توکل صفتی از ...

چون به خدایان و پنهان آنها توهین کرده بود گرفتند و ستمند. آنچنان آتشی افروختند که از حرارت آن برنده‌هایی که از بالا عبور می‌کردند، سوختند. و او را در میان چنین آتشی انداختند. آری دنیا چنین است، انسانها را به جرم انسانیت و اعتقاد به توحید در میان آتش می‌افکند. هرکس که ابراهیم را به طرف آتش می‌برد تا او را بر آتش بیافکند، از شدت حرارت می‌سوزد. تا اینکه جاره اندیشیدند و با کمک شیطانهای داخلی و خارجی منجیق درست کردند (منجیق فاشق مانندی است که سنگ را در آن می‌گذارند و از طرف دیگر می‌کشند و رها میکنند، او برت می‌شود) ابتدا آزمایش کردند، سنگهایی به وزن ابراهیم در میان منجیق گذاشتند و برت کردند. تا اینکه سنگ در میان آتش افتاد. بعد از امتحان ابراهیم را در حالی که سرش را لای زانویش گذاشته بودند، دست و پایش را محکم بستند و در منجیق گذاشتند، که به داخل آتش برت کنند. فرشته‌ها به سوی الله شجه کردند، بروردگارا، در روی زمین یک موحد بیشتر نداری و آن ابراهیم است، خدا این خلیل توست، این بت شکن زمان و قیام کننده، برسد

آفتاب را که هر روز از مشرق طلوع میکند. فردا دستور بدی از مغرب طلوع کند. کافر (نمرد) در برابر منطق ابراهیمی شکست خورد. ابراهیم - یک دیکتاتور بزرگ و بات پرستان انجمن مبارزه میکند. او در مقابل الله تسلیم و در مقابل طاغوت طغیانگر است. برادران و خواهران این دو صفت را از ابراهیم بزرگ فرا بگیرید، در مقابل الله تسلیم باشید. شما را بخدا مال و فرزند و جان در نظرمان نباشد و حاضر باشید همه را در راهش بدهید او هم از شما نمی‌گیرد. و اگر بگیرد چندین برابر پاداش میدهد. ای انسان ترسو، خدا اگر چیزی را از شما بخواهد در مقابلش پاداشها می‌دهد «ان الله اشترى من المؤمنین» اما «بان لهم الجنة» سعادت و کمال و انسانیت میدهد. ای انسان منحط، ای انسان حریص، ای انسان بخیل، بده آنچه داری و بگیر آنچه نداری.

جان چه باشد که فدای قدم دوست کنم این مضامین است که هر بی سر و مائی دارد ابراهیم خلیل در برابر الله همه چیز را می‌دهد. در مقابل دشمنها قیام می‌کند و در مقابل الله تسلیم است. سختم راجع به این تکه است. این مرد عظیم را

افسان، انسانیت و الله است. خدا به فرشتگان اجازه داد که به حضورش برسند و کمک نمایند.

در روایات دارد فرشته‌ها به حضورش رسیده و گفتند ابراهیم آیا امری به ما داری؟ فرمود: نه من با شما کاری ندارم. «کفلی عیلمه به طاهی ان شئوا لی» این غایت توکل است، این غایت عظمت است. از من انجام وظیفه کردن از من تبریست گرفتن و بت شکستن، از من سعی و کوشش کردن است مابقی به من مربوط نیست. «ما یغنی و الاراده» من کجا، اراده کجا، من در آنچه که وظیفه دارم اراده میکنم به شما هم نیاز ندارم. ابراهیم را در میان آتش افکندند «فازادوا به کیداً فجعلنا هم الاخرین» ما ابراهیم را به آن مرحله که باید برسد به ربیع و سود، و دشمنانمان را به خسارت و زیان رساندیم. دوستان مرحله توکل اینست که انسان در هر هدف دنبال فعالیت و کوشش خودش خدا را ببیند امید است انشاء... این مطالب ابراهیم در دل دوستان اثر کند. روح ما از ابراهیم درس تسلیم در برابر الله و طغیان علیه طغیان گران را بگیرد.

درس توکل در برابر الله، متوکل شدن و بی‌بسته او را در حضور دیدن است.

ادامه دارد

## لزوم بررسی نظریات ...

به هر عضوی به اعضایش قصوری است جو مجنون این سخن پشت آشتی دران آشتی خندان شد و گفت توموسی بنی ومن بیجش مو تو ابرو من اشارت های ارد اگر در کاسه چشم نشینی به جز از خوبی لیلی نبینی این همان نسیت را در زیبایی بیان می کند یعنی برای او زیبا است برای کس دیگر زیبا نیست این خودش یک مسئله ای است که مطرح است و می گویند برخلاف آنچه انسانها خیال می کنند که

نهایت زیبایی باشد. و همان انسان در نظر انسانهای دیگر اصلاً زیبایی نداشته باشد. آن داستان مشهور لیلی و مجنون همین است که مجنون در وصف لیلی خودش این همه شعر و غزل گفت. هارون الرشید خیال کرد که لیلی یعنی است که نظیر او در دنیا پیدا نمی‌شود رفتی که آن لیلی بدوی وحشی را از بیابان آوردند، دید یک زن عادی سیاه سوخته ای است که اصلاً هیچ قابل توجه نیست. به مجنون گفت روزی عیجونتی که سدا کن به از لیلی نکونی که نیلا گرچه در چشم تو جوهر است

زیبایی عشق می‌آفریند، برعکس است. عشق زیبایی می‌آفریند یعنی اول زیبایی وجود ندارد که بعد در اثر زیبایی، عشق ایجاد بشود اول عشق وجود پیدا میکند، عشق که وجود پیدا کرد زیبایی را خلق می‌کند البته این یک نظر افراطی است. نمی‌شود وجود زیبایی را در خارج به کلی انکار کرد.

اینکه آیا زیبایی مطلق است یا نسبی، برای بحث ما ضرورتی ندارد. ولی قدر مسلم این است که در خارج چیزی بنام زیبایی وجود دارد، این جور نیست که صددرصد مخلوق عشق باشد.

ادامه دارد

## بررسی علل مهاجرت روستائیان ...

تیز ارانه سه طرح پیشنهادی در این زمینه که در صورت پیاده شدن این موارد نه تنها روستائیان رغبتی نسبت به مهاجرت نمیدهند بلکه سایر روستائیانیکه قبلاً مهاجرت کرده اند با کمال میل به خانه و زمینهای خویش باز خواهند گشت.

در هر صورت آمینوارم بدین طریق توانسته باشم آن حس مسئولیتی را که در ضمیر خود احساس میکردم جامه عمل پوشانده و ندای مظلومانه مردم زحمتکش و متعهد این منطقه را به گوش مسئولین محترم کشور رسانده باشم.

۱- اعزام مبلغین کارآموز در این ماههای رمضان و محرم به روستاها و تاسیس کلاسهای ابتدائوزیکی در مساجد در ایام فوق.  
۲- انتخاب و اعزام دانش آموزان روستایی علاقمند به علوم اسلامی و اعزام آنها به حوزه علمیه.  
۳- ایجاد کتابخانه، بخش نواری و نمایش فیلم و سخنرانی در سطح منطقه...  
موارد فوق فشرده ای بود از علل مهاجرت روستائیان (منطقه میانه) به تهران و سایر شهرها و

چند طرح پیشنهادی در زمینه تبلیغ فرهنگ اسلامی

ضعف فرهنگی و عده ارانه صحیح آن نیز شدت در استان اذربایجان شرقی احساس میشود ولی متأسفانه در این مورد نیز تاکنون کاری انجام نشده است از این جهت عوامل ضد انقلاب بهتر میتوانند از عدم آگاهی مردم بهره برداری سیاسی کند و آموزش و پرورش یا حوزه علمیه قم باید رسالت سنگین خویش را در این مورد به پای عمل رسانده و اقدامات لازم را هر چه سریعتر مبنول

جهاد